



۲۰۲۱/۱۰/۰۷



پوهاند محمد بشیر دودیال

تاجکستان و روابط آن با افغانستان از دیدگاه اقتصاد



تاجکستان همسایه شمال افغانستان است که حدود یک و نیم هزار کیلو متر باهم سرحد دارند. مساحت آن ۱۴۳'۱۰۰ کیلومتر مربع، یعنی از بین لحاظ کشور ۹۵ ام در جهان است و نفوس آن ۸'۱۹۰'۰۰۰ تن (۹۸ ام در جهان) است. تکالیف نفوس در هر کیلو متر مربع ۵۷ تن و طرز حکومت آن جمهوری و دین آن اسلام است. این کشور کوهستانی در بین سلسله کوههای تیان‌شان و پامیر قرار دارد. ساحات کم ارتفاع دره فرغانه است، متباقی حصص اکثر مرتفع اند. جمهوری تاجیکستان محصور در خشکه در ۳۹ درجه شمالی و ۷۱ درجه شرقی، در آسیای مرکزی و غرب چین واقع شده است. حداکثر طول این کشور از شرق تا غرب ۷۰۰ کیلومتر و از شمال تا جنوب ۳۵۰ کیلومتر است. طول سرحدات شکسته تاجکستان ۳۶۵۱ کیلومتر است که ۴۱۴ کیلومتر در شرق با چین، ۱۲۰۴ کیلومتر در جنوب با افغانستان، ۸۷۰ کیلومتر در شمال با قرغیزستان و ۱۱۶۱ کیلومتر در غرب با ازبکستان سرحدات مشترک است.

از لحاظ تاریخی سغد باستان که سرزمین کنونی تاجیکستان را دربر می‌گیرد، در زمان داریوش اول به جزئی از امپراطوری هخامنشی تبدیل شد. پس از حمله ی سکندر مقدونی، تاجیکستان به ترتیب جزئی از پادشاهی‌های سلوکی، دولت یونانی باختر، تخارستان، کوشانیان، ساسانیان و خیونان بود. در قرن دهم میلادی، اولین حکومت سامانیان در این منطقه تشکیل شد. پس از سقوط سامانیان، با اتحاد باغزنویان و قراخانیان به ترتیب جزئی از حکومت‌های قراخانیان، خوارزمشاهیان ایلخانان مغول و تیموریان شد. پس از سقوط تیموریان تا قرن نوزدهم میلادی حکومت‌های مختلف ازبک کنترل این سرزمین را در دست داشتند، البته نادر افشار پادشاه ایران برای دوره کوتاهی آن را به تصرف خود درآورد. در قرن نوزدهم شمال تاجیکستان خجند جزئی از خانات خوقند و جنوب آن جزئی از خانات بخارا بود. خانات بخارا در سال ۱۸۶۶ میلادی، و خانات خوقند در سال ۱۸۶۸ میلادی، زیر سلطه روسیه تزاری درآمدند. پس از انقلاب اکتبر، تاجیکستان ابتدا بخشی از جمهوری ازبکستان در اتحاد جماهیر شوروی بود تا اینکه در سال

۱۹۲۸ جمهوری سوسیالیستی تاجکستان به عنوان جزئی از جمهوری مستقل اتحاد جماهیر شوروی تشکیل شد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در سال ۱۹۹۱، تاجکستان نیز از چوکات اتحاد سایر جمهوری ها مجزا شد، ولی در سال ۱۹۹۱ م. جنگ داخلی و گروه‌های مختلف سیاسی پدیدار شدند، که در نتیجه بین دولت و اسلامگرایان افراطی به رهبری عبدالله نوری جنگ داخلی درگرفت. در این جنگ، حدود ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تن کشته و حدود ۱/۲ میلیون نفر بی‌خانمان شدند. در ۲۷ ژوئن ۱۹۹۷ میلادی با وساطت سازمان ملل متحد، پیمان صلح به امضای دو طرف رسید.

بیش از ۹۰٪ مردم تاجکستان پیرو دین مبین اسلام سنی و کمتر از ۱٪ شیعه هستند و چهار فیصد به مسیحیت، یهودیت، زرتشتی، بودایی و بهائیت معتقد اند. اکثریت ۸۵٪ مسلمانان سنی حنفی و پیرو ابوحنیفه بوده و ۵٪ شیعه اسماعیلی هستند. همچنان اسلام دین ۹۰٪ نفوس ولایت خودمختار بدخشان تاجکی را تشکیل داده که از آغاخان پیرو می‌کنند و ۱٪ نیز شیعیان اثنا عشری هستند. آغا خان دایم کوشیده تا در بدخشان افغانی نیز نفوذ داشته باشد. تعدادی مسلمانان شافعی نیز در تاجیکستان زندگی می‌کنند. عده کمی مسیحی (ارتدکس)، یهودی، زرتشتی و بهایی نیز وجود دارد. دین مبین اسلام به عنوان دین بزرگ که در قرن هفتم میلادی با فتح آسیای مرکزی توسط سپاه اسلام در منطقه گسترش یافت، مطرح شده است. از آن زمان، دین اسلام به عنوان بخشی از فرهنگ تاجک‌ها درآمد. در زمان اتحاد جماهیر شوروی اداره روحانی که مرکزش در تاشکند و ریاست آن با مفتی آن زمان بود، ولی زبان رسمی آن ازبکی بود در آسیای مرکزی وظیفه انجام امور مذهبی را بر عهده داشت. دین آنها قبل از اسلام زرتشتی و همچنین بودایی و مسیحی بود، اما بعد از ظهور اسلام مسلمان شدند که اکثریت آنها به مذهب سنی حنفی مربوط است. تاجکستان از لحاظ ادیان با افغانستان مشابهت زیاد دارد. مسلمانان تاجکستان مانند افغانها معتقد و پایبند مستحکم به دین اسلام اند برای اکثریت تاجک‌ها، اسلام حنفی بسیار مهمتر است. در تاجکستان طریقه تصوف نقشبندیه پایگاه شناخته شده دارد و همچنان تصوف هندویزم نیز موجود است، چنانچه یک پیر صوفی پیروانی از هند تا مالزیاء دارد. در اعصار گذشته از پیران مهم اسلام درین جغرافیا یکی پیر بایزیدروشان بوده است که از افغانستان تا ساحات آسیای مرکزی مریدان مخلص داشت.

مردم تاجک از لحاظ نژاد؛ آریایی اند که از زندگی زرتشتیان هم که به نسل آریایی منسوب می‌گردند شواهد بسیاری در سرزمین آسیای میانه کشف شده است. فارسی‌های امروزی نیز انشعاب آریاییهای تاجیک هستند که از آریانا (از راه بلخ) به طرف غرب مهاجرت کردند.

افغانستان از مدت مدیدی باتاجکستان دوست بوده و رهبران هردو کشور به کشور های همدیگر مسافرت‌های دوستانه نموده اند، خصوصاً از سالیان متمادی (از محمدظاهر شاه تا داکتر اشرف غنی) هنرمندان تاجکی در جشنهای استقلال افغانستان بحیث مهمان می آمدند و هنرنمایی میکردند. آهنگ (یاره پیزوان دی په کندو ختلی لمر دی - چا ویل چی مازیگردی) در آرشیف رادیو افغانستان یادگار همان سالها است. اکنون نیز با وجود وقوع حادثه ی کوچک طی یک ماه گذشته؛ دولت طالبان میخواهند همسایگی نیک و روابط حسنه با این کشور اسلامی داشته باشند. هردو کشور با مشابهت‌ها و مشترکات دینی، تاریخی، فرهنگی و اقتصادی، روابط سیاسی، امنیتی و اقتصادی موجود خود را حفظ و نسبت به تحکیم آن بعد ازین نیز اقدام خواهند کرد. دو کشور از نظر اقتصادی وابستگی های زیادی به همدیگر دارند. ازینکه بیشتر هدف این مقاله جنبه ی اقتصاد است، بناً از مسایل کلتوری و سیاسی صرف نظر میکنیم، زیادتراً اقتصاد را در نظر میگیرم:

تاجکستان مقداری از برق تولیدی خود را به افغانستان صادر می کند و افغانستان نیز به عنوان خریدار اصلی برق تاجکستان مطرح است پروژه کاساهزار یکی از پروژه های بزرگ منطقه است و افغانستان علاقمند چنین پروژه ها است.

در مورد تجارت نیز علایق مشترک وجود دارد، مثلاً سالها قبل بالای دریای سرحدی آمو فقط یک پل ساخته شده بود، اما در بیست سال گذشته بالای این دریا پنج پل موتر رو ساخته شده است که در رشد مبادلات اقتصادی دو کشور تاثیر زیادی دارد و امید مناسبات تجارتي هنوز هم بهتر شود، هر دو کشور اسلامی به این مناسبات ضرورت دارند.

شناخت کلمه یا اصطلاح تاجک: این کلمه با تلفظ های گوناگون مانند؛ تاجیک، تازیک، تازیکی، تازیکی، تازیکی، تازیکی، اوگانه، پارسیوان، تاجیکی، تات، تجگی و حتا سرت ادا شده است. واژه تاجیک که گونه های پیشین آن تازیک یا تازیکی است، در آغاز معنی عربی داشته است اقوام ساکن در شرق ماورالنهر را عربها در تمایز و تفکیک با ترکها تاجک گفتند. چنانچه در دوران پیروزی ترکان بر ایرانیان، ایرانی ها خود را تاجک می خواندند. برخی نیز بر این باورند که واژه تاجک از ریشه ترکی است و اصل آن به معنی تبعه ترک بوده است. عرب ها ی مسلمان، تاجک ها را (اوگانه) می نامیدند. نژاد تاجک که تازیکی نیز تلفظ می شود، نژاد آریایی اند. تاجک ها را در جمهوری فدراتیو روسیه (تاجکی) در زبان ترکی (قزلباش، کزلباش) در خاور ایران (تاجک) و در باختر ایران (تات) و در سیستان به تلفظ (تجگی) می شناسند. در اوایل قرن دومیلادی اصطلاح تاجک در اتحاد جماهیر شوروی به مفهوم تمام نفوس اسکان یافته آسیای مرکزی به کار می رفت. علاوه بر آثار ایرانشناسان در فرهنگ های پیشین و امروز از جمله منتخب اللغات، دایرةالمعارف فارسی، برهان قاطع، سراج اللغات، نظام الاطباع، فرهنگ عمید، فرهنگ معین و لغت نامه دهخدا تاجک و مفهوم لغوی آن مورد بررسی قرار گرفته است. بیشتر محققان بر پایه اسناد و مدارک، تاجک را قوم غیر عرب و ترک معرفی کرده اند. در کابل نیز تاجکان را باشندده های بدخشانها و آن طرف دریای آمو میدانند.

خلاصه؛ برخی ها ریشه تاجک را از «تازیکی» (تاخت و تاز کننده با اسب) می دانند. به هر حال هنوز معنی دقیق آن به روشنی معلوم نیست. نتیجه اینکه؛ مردمانیکه امروز در کشور تاجکستان زیست دارند، تاجکان اند. پایتخت تاجکستان، شهر دوشنبه است که در سال ۱۹۲۴م. به عنوان پایتخت جمهوری خودمختار شوروی سوسیالیستی تاجکستان انتخاب و این منطقه بسیار عقبانده به تدریج با تمدن آشنا، صاحب مکاتب، شفاخانه ها، ترانسپورت، سیستم مجهز آبرسانی، میدانهای هوایی، برق، کوپراینفها، رادیو، تلویزیون، پوهنتونها، اخبار ها و مجلات و تمام زیربنای اقتصادی و ارزشهای مدنی شد. این شهر تا سال ۱۹۲۹م. دوشنبه نام داشت و پس از آن برای مدت تقریباً ۲۵ سال به استالین آباد و پایتخت جمهوری شوروی تاجکستان تغییر نام داد، اما پس از مرگ استالین (۱۹۵۳م.) و در زمان خروشچف در سال ۱۹۶۱م. بار دیگر به دوشنبه تغییر یافت. نام دوشنبه بنا به روایتی از بازار روزهای دوشنبه در این مکان گرفته شده است. این تعبیر چندان دور از حقیقت نیست زیرا که در حدود شهر دوشنبه قصباتی موسوم به سه شنبه و چهارشنبه نیز وجود داشت، که در آنجا روزهای بازار همین روزهای هفته بوده اند. بر اساس منابع تاریخی دوشنبه از لحاظ سکونت به قرن هفدهم میلادی و وجود قلعه آن در تاریخنامه های ابتدای قرن هژده. برمی گردد. در ابتدای قرن نوزده میلادی دوشنبه قرارگاه حاکم حصار در فصل تابستان محسوب می شد. در ابتدای قرن بیستم، دوشنبه به مرکز اداری و سیاسی برگزیده شد. با پیروزی انقلاب اکتوبر در اتحاد شوروی، سیستم تزاری لغو شد، به عمران شهر ها و زنده گی زحمتکشان توجه شد و کارهای ضروری اعمار در تاجکستان آغاز شد، که از آن جمله به وسعت شهر دوشنبه افزوده شد و در سال ۱۹۲۵م. با ادغام روستاهای

یکه‌چنار، سر آسیاب، لوچاب، اسپیکچک، قریه بالا، قزاقان، شاه منصور و قریه میر خواجه‌اننیا، عنوان شهر بزرگ راگرفت و از دسامبر سال ۱۹۲۶م. به کوچه و خیابان‌های عصری تقسیم شد. در سال ۱۹۳۰م. ۱۳ کوچه و خیابان داشت.

این شهر به چهار ناحیه راه آهن، اسماعیل سامانی، مرکزی و فرونزه تقسیم میشود نفوس آن به سرعت رو به افزایش است که به بیش از ۷۵۰۰۰۰۰ نفر بالغ گردید. این شهر محصور در کوهستان، با خیابان‌هایی که در دو طرف آن درختان تنومند جلوه‌گری می‌کنند، شهر زیبایی است. شهر دوشنبه دارای بازارهای بسیاری مانند بازار کاروان، بازار سخاوت، بازار سبز، بازار برکت، بازار سلطان کبیر و غیره است. در این شهر دو مقبره جذاب به نام‌های مقبره کمال‌الدین بهزاد و مقبره تاجکان باستان است. آثار هنری و تاریخی مثل کلالی، قالین بافی، جواهرات، ساخت وسایل موسیقی و غیره دارد. تئاتر اپرا و باله صدرالدین عینی نیز بهترین ساختمان شهر دوشنبه محسوب می‌شود. بیرق ملی تاجیکستان در سه ستون افقی متساوی موازی، رنگ قرمز در بالا، رنگ سفید در وسط و رنگ سبز در پایین می‌باشد. در قسمت سفیدرنگ در وسط بیرق یک تاج طلایی است که هفت ستاره پنج پرطلایی در قسمت بالایی آن به صورت نیم‌دایره قرار دارند. واحد پول آن «سامانی» است. زبان اصلی و رسمی تاجیکی و همچنان زبان دوم روسی و زبان سوم ازبکی، ولی زبانهای غالب مورد استفاده تاجیکی و روسی است. تاجیکی مشابه زبان فارسی در ایران و زبان دری در افغانستان است.

خط رسمی تاجیکستان خط سرلیک است. فیصدی سواد ۹۹/۴٪ است. از سرگرمی و تفریحات مهم مردم تاجیکستان بازی های بلیارد، شطرنج، تنیس، والیبال، فوتبال، شنا و کشتی که ورزش ملی آنان است بحساب می‌آید.

تاجیکستان بر روی کمر بند زلزله‌خیز قرار گرفته است، از این رو بروز زلزله‌های سخت در این کشور امری طبیعی است. در بیشتر مرز جنوبی با افغانستان رودخانه آمو (پنج) و شعبه‌های آن قرار دارد که پنج رودخانه بوده، یعنی سرچشمه آمو از افغانستان و تاجیکستان مشترک می‌باشد. در مورد سرحدات بعضی مشکلاتی با ازبکستان و قرغیزستان و با چین نیز ادعاهای مرزی داشت که اخیراً این مسأله میان دو کشور حل و فصل گردید.

تاجیکستان از ذخایر آبی کافی برخوردار است. از برف‌های دایمی و یخچال‌های کوهسارها، رودها و سیلابهای بی‌شمار به وجود آمده که به شکل رودخانه‌های پر از آب جریان می‌یابند. تعداد رودهای کوچک و بزرگ به ۹۴۷ می‌رسد. شبکه رودخانه‌های تاجیکستان به حوضه سه رودخانه بزرگ آمودریا یا جیحون، سیردریا یا سیحون و زرافشان که بزرگترین دریا‌های تاجیکستان هستند سرازیر می‌شوند. بزرگترین دریا‌های فرعی نیز وخش و کافرنهان هستند که از ناحیه‌های شمال شرقی تا جنوب غربی تاجیکستان قرار دارند. این شبکه دریا‌های متراکم از میان دره‌ها به صورت زنجیره‌ای در مناطق مختلف جریان دارند. کوهها توده یخ‌های متعددی را در بر دارند که بزرگترین آنها فدچنکو، با طول ۷۷ کیلومتر و مساحت ۶۵۱/۷ کیلومتر مربع بزرگترین توده یخ جهان خارج از مناطق قطبی است. تقریباً پنجاه درصد مساحت یخچال‌های آسیای میانه در تاجیکستان واقع می‌باشد. تعداد یخچال‌های کوهستانی تاجیکستان به بیش از ۸۰۰۰ بوده و در مجموع مساحت ۸۰۰۰۰ کیلومتر مربع را در بر می‌گیرد، نامهای مهمترین یخچالها عبارتند از: گُرم - گُرژیمیل، بیوچنی، گرما و سووق درّه کلان.

سایر منابع طبیعی شامل گاز طبیعی، بندهای برق آبی، نفت خام، یورانیم، جیوه، زغال سنگ، سرب، روی، سنگ سرمه، تنگستن، نقره و طلا می‌باشد. آب و هوای تاجیکستان قاره‌ای، نیمه استوایی و نیمه خشک و بخشی صحرائی است. در

کوههاي پامير آب و هوا قطبي نيمه خشك مي‌باشد و هوا به طور مؤثري منطبق با ارتفاعات تغيير مي‌کند. وادي فرغانه و ديگر ارتفاعات به وسيله کوههاي اطراف از هواي قطبي حفظ مي‌شوند. در ارتفاعات کم، اوسط درجه حرارت بين ۲۳ تا ۳۰ درجه سانتیگراد در تابستان و منفی یک تا منفی سه درجه سانتیگراد در زمستان مي‌باشد. حد اوسط بارندگي سالانه در اکثر مناطق جمهوري بين ۷۰۰ تا ۱۶۰۰ ميلي‌متر است. شديدترين ميزان بارندگي در مناطق يخي فدنکو است که حد اوسط آن ۲۲۳۶ ميلي‌متر در سال و کم‌ترين آن در پامير شرقي با حد اوسط ۱۰۰ ميلي‌متر در سال است.

مهم‌ترين حادثه در قرن بيست درين کشور وقوع جنگهاي داخلي از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ بود، تا اينکه رحمان‌اف در نتيجه انتخابات ششم نوامبر سال ۱۹۹۴ م. به حيث رييس جمهوري انتخاب و صلح حکمفرما و قانون نافذ شد. در استحکام صلح ملل متحد و کشور ايران رول مهم ادا کردند.

قانون اساسی و طرز دولتي: قانون اساسي فعلي تاجيکستان به تاريخ شش نوامبر ۱۹۹۴ م. در يك ريفرندم به تصويب رسيد. در فصل دوم مواد ۲۹-۳۰ قانون اساسي به شهروندان آزادي بيان، مطبوعات، مجالس، گردهمايي و تظاهرات داده شده است. طبق قانون اساسي، تاجيکستان يك دولت جمهوري مستقل و دموکراتيک مي‌باشد. دولت ملزم به حفظ حقوق و آزادي اندیشه، بيان، قلم و تمام فعاليتهاي سياسي، اقتصادي، اجتماعي، هنري و تعليمي و تفریحی افراد در قانون آمده است. گروههاي ديني حق دخالت در کارهاي دولت را ندارند، اما امور مذهبي آزاد بوده دين اسلام قانوناً دين کشور است. طبق قانون اساسي چنانچه معاهده بين‌المللي توسط کشور امضاء شود که با قوانين عادي کشور مغايرت داشته باشد، اين معاهدات لازم‌الاجرا مي‌باشند. اتباع کشور از سن ۲۵ سالگي به بالا مي‌توانند در انتخابات شرکت کرده و رأي دهند. در قانون اساسي مصوب ۱۹۹۴ م.، ۱۸۱ چوکي براي وکلا در نظر گرفته شد. قانون اساسي تاجيکستان شديدترين مجازات را اعدام تعيين نموده، ولي کوشش ميشود، اصلاً کس اعدام نشود، تا حال صرفاً يك نفر از زندانيان سياسي به حکم خيانت ملي رسماً در سال ۱۹۹۴ م. بعد از فيصله ي محاکم و ابلاغ حکم اعدام گرديد. اما بعد از ان هيچ اعدامي در جمهوري گزارش نشده است. بعد از سال ۱۹۹۴ ميلادي نيروهاي مخالف حکومت تاجيکستان که مرکزشان در افغانستان بود و خودشان را تبعيدي دولت مي‌دانستند، از طرف دولت به کشتار تعدادي از اتباع و برخي سربازان دولتي نزديک مرز افغانستان متهم شدند، ولي با برگشت شان عفو شدند و بعد از سال ۱۹۹۴ مخالفين به مصالحه پيوستند. وضعيت اقتصادي و طبيعي تاجيکستان مشابه افغانستان است، اما صلح و حکومت خوب توانست زنده گي مردم را خيلي بهبود بخشد. درين مدت افغانستان دايم کوشيده است تا مناسبات نيك و خوب با اين کشور همسايه داشته باشد. افغانستان سياست خارجي کشور را بر مبنای حفظ استقلال، منافع ملي و تماميت ارضي و عدم مداخله، حسن همجوارى، احترام متقابل و تساوى حقوق تنظيم مينمايد و تلاش دارد تا يك شريک خوب تجارتي تاجيکستان باشد. از همين رو طي بيست سال گذشته حدود ۵۰ موافقتنامه بين هر دو کشور امضا گرديده است.

صحت، خدمات و اقتصاد: در زمان دولت شوروى در تاجيکستان خدمات فوق العاده صحى صورت گرفته بود که زيربنا هاى ان مانند شفاخانه ها، لابراتوارها و کلينک ها تا هنوز در صدر و به سويه عالی قرار دارد. همچنان ترانسپورت و زيربنا هادر دوران شوروى فوق العاده رشد نموده بود که اکنون نيز زير بناى اقتصاد تاجيکستان ميباشد. تمام فابريکات دوران شوروى فعال بوده اساس اقتصاد نوين اين کشور را تشکيل مي‌دهد. در سال ۱۹۸۰ م. در دوره شوروي در تمام اتحادر شوروى حد اوسط تعداد بستر مهيا در شفاخانه ها براي هر ده هزار نفر ۱۳۰ تخت بود، که در تاجيکستان ۱۰۴

ستر براي هر ده هزار نفر که نصف این رقم براي مناطق روستايي بود، ميرسيد اکنون نیز همین رقم صدق ميکند. اوسط طول عمر درين کشور ۶۴ سال ميباشد، در حالیکه در افغانستان ۴۷ سال. بعد از فروپاشی اتحادشوروی تاجکستان و چهار همسايه آن یعنی هر پنج جمهوري، روسيه به عنوان بالاترين شريك تجاري باقي ماند زیرا که بسياري از زیربناهای زراعتی و صنعت به همان صورت شریک و عین قوانین، صادرات همکار و شریک تجاری بامسکو باقي ماندند. این قوانین و تجارت با روسيه به مرور از اواسط سال ۱۹۹۰م. تغيير يافت که عمده‌ترین دلیل آن حرکت به سوی اقتصاد رقابتي به جاي همکاري بود. منبع حیاتی یعنی آب يك سرمايه بزرگ براي زراعت، پرورش ماهی و تولید برق و صنعت است. اکنون این کشور دارای منابع کافی انرژی است که افغانستان نیز یک مقدار برق خود را از انجا تامین نموده است و تجارت بين دو کشور در حال افزایش است.

در تاجکستان طی سال ۱۹۹۵م. عاید خالص از صادرات مبلغ ۷۲۰ میلیون دالر را نشان مي‌داد که از محل صادرات برق، پنبه، کود، تکه، فلزات غیر آهنی (بخصوص آلومینیم)، ابریشم، میوه، روغن نباتی و سبزیجات به کشورهای لهستان، سوئد، افغانستان، اتریش، نروژ، مجارستان، روسيه، بلژیک، فنلاند، انگلستان، قزاقستان، اوکراین و ازبکستان صورت پذیرفته است. لیکن صادرات عمده به لیختن‌اشتاین ۲۶٪، ازبکستان ۲۰٪ و روسيه ۸٪ بوده است. طبق آمار سال ۱۹۹۹م. سالانه تقریباً چهار میلیارد کیلووات برق صادر شده است. از جمله وارد کنندگان برق یکی هم کشور افغانستان ميباشد. عاید حاصله از صادرات در سال ۲۰۰۰م. رقم ۷۶۱ میلیون دالر را نشان مي‌دهد. در سال ۱۹۹۵م. واردات رقم یک ونیم میلیارد دلار را نشان مي‌داد که براي واردات مواد سوختی، اکسید آلومینیم، برق، انواع دانه‌ها، آهن و فولاد، مواد کیمیایی، ماشین آلات و وسایل حمل و نقل، کالاهای مصرفی، فرآورده‌های نفتی، مواد غذایی و محصولات صنعتی از کشورهای ایران، روسيه، ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان، اوکراین، بلژیک، لهستان، اتریش، فرانسه، انگلستان و ترکیه بود، که مبلغ ۲۶۵ میلیون دلار آن از کشورهای غير از جامعه کشورهای مستقل همسود بوده است.

واردات عمده از اروپا ۳/۳۲٪، ازبکستان ۲۹٪ و روسيه ۱۳/۶٪ بوده است. تاجکستان در سال ۱۹۹۹م. يك چهارم میلیارد کیلووات واردات برق داشته است. در سال ۲۰۰۰م. واردات تاجکستان رقم ۷۸۲ میلیون دالر را نشان مي‌داد.

تاجکستان از چهل نوع مواد معدنی و فلزات نادر و معادنی متناوب و غنی، لیکن محدود برخوردار مي‌باشد که شامل طلا، نقره، آهن، روي، مس، سرب، قلع، آلومینیم، جیوه، اورانیوم، تنگستن و غيره است. ذخیره قابل ملاحظه زغال، نفت و گاز نیز کشف گردیده است. با ذخیره چهار میلیون تن زغال تاجکستان در میان کشورهای آسیای مرکزی موقع اول را دارد، ولی باز هم در ذخایر منابع طبیعی و معادن با افغانستان همسری کرده نمیتواند.

وجود ذخایر زیاد مواد معدنی در جهت رشد کارخانه‌های تصفیه و غنی ساختن مواد معدنی، ذوب فلزات رنگی، شیشه و کاشی‌سازی و تولید مواد ساختمانی مساعدت نموده، امید یک روزی برسد که افغانستان نیز بتواند در رشد کارخانه‌های خود کامیاب گردد. در تاجکستان به مقدار زیاد آلومینیم تولید مي‌گردد که یکی از مهمترین اقلام صادرات کشور محسوب مي‌شود.

ذخایر هنگفت آب باعث رشد و توسعه نیروی برق آبی گردید. بالاي دریای و خش سلسله توریبهای برق آبی احداث شده است که بزرگترین آن دستگاه برق آبی نارك با تولید حدود سه میلیون کیلووات برق است. با وجود این، هنوز کمبود

برق محسوس بوده و پروژه نیروگاه‌های برق آبی سنگنوده و راغون در حال تکمیل است. در تاجکستان کارخانه‌های تولید محصولات زراعتی، نساجی، تجهیزات مخصوص مؤسسات تجاری، وسایل برقی و تولید ماشین‌آلات فعالیت دارند. صنعت ماشین‌سازی نیز در جمهوری وجود دارد. دستگاه‌های نساجی، بافت، تجهیزات زراعتی، وسایل هیدرولیک، ماشین‌آلات زراعتی و یخچال‌های ساخت کارخانه‌جات تاجکستان در بسیاری از کشورهای جهان مشتریان خوب دارد.

طی سال‌های اخیر هنرهای سنتی مردمی نیز رونق بیشتری کسب کرد. تولیدات کارخانه‌های «ارمغان»، «خجند اطلس» و کارگاه سفال‌سازی قره‌تاغ و امثال آن در نمایشگاه‌های بین‌المللی مقام بلند را کسب کرده‌اند. در افغانستان نیز صنایع دستی جای مهم را در اقتصاد و فرهنگ ما دارد، ما میتوانیم با همکاری کشور همسایه خویش صنایع دستی و هنری خود را رونق بیشتر دهیم و نندارتونهای مشترک داشته باشیم. صنایع تاجکستان شامل آلومینیم، روی، قلع، مواد شیمیایی، کود، سیمان، روغن نباتی، ابزارآلات دستگاه برش فلزات و یخچال است. افغانستان نیز میتواند با تبادل تجارب و همکاری‌های دو جانبه عین سکتورها را انکشاف دهد. صنعت به شدت متکی بر ذخیره وسیع از آلومینیم و دستگاه‌ها و توربین‌های آبی می‌باشد و کارخانه‌های کوچک مخصوصاً در صنایع سبک و مواد غذایی وجود دارند.

ازینکه پنج سال با جنگ داخلی روبرو شد و از طرف دیگر سیستم اقتصادی تغییر نمود و دولت پروژه‌های بزرگ و پرمصرف انکشافی و اعمار و توسعه‌ی شهرها را آغاز نموده، ازینرو اقتصاد تاجکستان شدیداً ضعیف شده است و اکثر مردم در فقر به سر می‌برند. افغانستان نیز بعد از سپری نمودن جنگ طولانی که اکنون به صلح سراسری دست یافت، با مطالعه این وضعیت می‌اندیشد که همکاری‌ها نزدیک بین هردو کشور میتواند فقر را در هردو کشور به حد اقل برساند. درین روزها رادیو‌های غربی و تجزیه‌طلبان داخلی افواه اختلافات شدید را بین دو کشور تبلیغ میکنند، در حالیکه خدای ناخواسته برهم خوردن اوضاع به ضرر هردو کشور است. نباید به تبلیغات زهر آگین وقعی نهاد، بلکه در عوض به دوستی و همکاری ارجحیت داد.

افغانستان و تاجکستان هردو متکی بر کمک‌هایی خارجی اند و برای اکثر ضروریات خود در گذشته به کمک‌های بین‌المللی متکی بوده اند، اما تفاوت درین است که مقدار کمک‌های ارسال شده به افغانستان خیلی زیاد بود، ولی فساد تنظیم شده وجودداشت و بیشتر کمک‌ها توسط جنگسالاران و عناصر شر و فساد در رژیم سابق دزدیده شد، در حالیکه تاجکستان از کمک‌ها استفاده خوب نمود. هم‌آینده افغانستان و هم از تاجکستان مربوط به صلح و تساند و جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی داشته و این بستگی به ثبات و ادامه صلح و آرامش در هردو کشور دارد.

بعد ازینکه جمهوری‌های اتحاد شوروی هرکدام مجزا شدند، سیستم اقتصاد تغییر کرد، کندي پیشرفت و چرخش کار در تاجکستان در سال ۱۹۹۰م. پس از تصویب قانون تخصصی کردن تأثیر بسزایی بر صنعت آلومینیم و مواد شیمیایی گذاشت که تا حدود ۳۰٪ کاهش تولید در مواد خالص را در بر داشت. در سال ۱۹۹۰م. تولیدات تقریباً همه صنایع کاهش یافت از جمله برخی صنایع کوچک مثل طلا و معدن که سهم کمتری داشتند. بعداً در اواسط سال ۱۹۹۰م. جنگ داخلی و فشارهای مخالفان سیاسی داخلی سطح تولید را پایین نگاه داشت. فعلاً بعد از استقرار صلح، انتخابات و انفاذ قانون اساسی و سایر قوانین مدنی اندازه‌ی رشد تولیدات صنعتی طور اوسط ۱۰٪ است.

فرصتهای موجود در روابط افغانستان و تاجکستان

خوشبختانه دو کشور دوست و همسایه یعنی افغانستان و تاجکستان فرصتهای خوبی را برای توسعه مناسبات سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی خود دارند که آنها را در چهار بُعد میتوان دسته بندی کرد:

اول) بعد محیطی : که تابع همسایگی و ظرفیتهای محیطی دو کشور است؛

دوم) وضعیت سیاسی و مقدرات و محذورات سیاست خارجی دو کشور؛

سوم) شرایط فضای سیاسی منطقه بی که متاثر از روابط قدرت های منطقه بی و سازمان همکاریهای شانگهای است؛

چهارم) تاثیر پذیری از ساختار نظام بین الملل، سازمانهای منطقی و همسایگی .

هرکدام آنها ابعاد سیاسی نظامی، امنیتی- فرهنگی، علمی- اقتصادی و تجارتي نزدیک باهم دارند. افغانستان طی چند سال اخیر زیاد تلاش نمود تا خود را از انزوا بیرون نماید. از همین رو به پروژه "یک کمربند یک راه"، پروژه تاپی، بندر چابهار، عضویت در سازمانهای منطقی سارک، شانگهای، ایکو و غیره توجه عمده نمود. از آن جمله با نزدیک ساختن روابط با همسایه ها نیز خیلی کوشید.

افغانستان منحصراً یک کشور باستانی که در تاریخ طولانی خو با اکثریت کشورهای دورنزدیک، خرد و بزرگ تجارب غنی از روابط دیپلماتیک، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دارد در تمام ساحات متذکره دارای سیاست روشن است. از زمانیکه از طریق افغانستان راه ابریشم میگذشت، سیاستمداران و حاکمان افغانستان متوجه مفادات و رموزهای روابط بین المللی بود. اکنون با وجودیکه شیرازه نظام و حکومتداری نسبت جنگهای طولانی گسسته، ولی بازم با استفاده از تجارب قرون متمادی این کشور توانایی باز سازی روابط و اتخاذ یک سیاست معقول و دور اندیش را دارد. افغانستان نه تنها از لحاظ موقعیت فوق العاده ستراتیژیک خود، بلکه از لحاظ شهرت نیک خود در مناسبات بین المللی نیز دارای سوابق و اعتبار خوب بوده ، دیپلوماسی موفق را با کشور ها و نظامهای مختلف به پیش برده است. بالخصوص کشور های که از لحاظ سوابق تاریخی و مشترکات فرهنگی، زبانی، دینی خیلی مشابه اند، میتوانیم سیاست مناسبات خوبی را در آینده داشته باشیم. درین اواخر اقتصاد منطقه بی منحصراً یک اصل بارز عمل مینماید و کشور ها چه در ساحه کوچک (منطقه)، چه در ساحه وسیعتر (قاره) و حتا در ساحه جهانی وارد ساختار های اقتصاد منطقی شده اند. ازین جهت کشور های منطقه مفاد چندین جانبه را بدست آورده و متقابلاً با هم همکاری میگردند.

افغانستان و تاجکستان در جغرافیایی نزدیک باهم قرار دارند و از آریانا ی باستانی و بزرگ تاحال باهم مرادوات دارند. زادگاه سامان خدای - سر سلسلهی سامانیان- بلخ همین جغرافیه است. بلخ یکی از چهار مرکز سیاسی و تمدنی این جغرافیه بود. کابل، غزنه، بادغیس، نورستان، گندارا و هرات بلخ سرزمین مشترک نصر بن احمد سامانی و رودکی محسوب میگردد. پیرروشان از مناطق کوهستانی وزیرستان و کانگروم تا تاجکستان و ازبکستان امروزی مرید داشت. مولانای روم در تمام این جغرافیه شناخته شده بود. این سرنوشت مشترک تاریخی تا قرن ۱۹ با فراز و فرود های فراوان تداوم مییابد . در قرن نوزده و بیست نیز دو کشور روابط مشترک داشتند، تاجکستان منحصراً یکی از جمهوریهای اتحاد شوروی با افغانستان مناسبات دیرینه را حفظ نموده بود، در قرن بیست، در سال ۱۹۹۱-۹۰ جمهوری تاجکستان از اتحاد

شوروی مجزا شد، مخالفت‌های سیاسی درین کشور دیده شد. طی سالهای ۱۹۹۱-۹۳ یک‌کده مخالفین دولت تاجکستان به افغانستان آمدند ولی در سال ۱۹۹۴ م خیلی از این پناهندگان به تاجیکستان بازگشتند درین زمان موقعیت جغرافیایی دو کشور که در پهلوی هم قرار دارند، یگانگی اتنیک، زبانی، فرهنگی، دینی، پیوند ها و روابط عمیق اقتصادی و تجارتي از روزگاران دور، باور های همسان منطقوی و غیره اصل هایی اند که سرنوشت افغانستان و تاجکستان را جاودانه با هم گره زده است. از این روست که نمی‌توانند نسبت به سرنوشت همدیگر بی تفاوت باشند. از زمان تحکیم روابط دیپلوماتیک تاکنون این دوستی دو طرفه دوام دارد و در سیاست خارجی افغانستان به این دوستی اولویت داده میشود. ارشیف وزارت خارجه جمهوری اسلامی افغانستان مملو از اسناد بسیار زیادی در مورد دوستی و قرار داد های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بین هردو کشور است.

مردم تاجکستان با تعصبات قومی، نژادی، زبانی نااشنا و ناسازگار بودند، چنانچه در دوران اتحاد شوروی اقوام زیادی درین سرزمین زیست داشتند، اکنون نیز در پهلوی تاجکی زبانهای دیگر مانند روسی، ترکی و غیره وجود دارد و خط شان سیرلیک است، ولی تحرکات ایران تحت شعار های (حوزه پارسی زبان)، (حوزه نوروز) و ازین قبیل مروج گردید و خواستند تعصبات فاشیستی ایرانی را بدانجا سرایت دهند، مردم تاجک را در حوزه تنگ تعصب گیر آوردند، درین مسیر یکتعداد افغانهای سکتاریست نیز علاقمند شدند. اگر چنین شعارها و تحرکات موثر واقع نگردد، مردم تاجکستان با افغانها برخورد دوستانه و همسایگی نیک دارند و در آینده نیز خواهان آن اند. "دوستی با خلقها" شعار دیرین مردم این سرزمین است.

حوادث گوناگون نشان داد که ما با تاجکستان منحیث دو کشور مسلمان، دارای مشترکات فراوان فرهنگی و تاریخی می‌باشیم. افغانستان بر سیاست های مبتنی بر برادری و دوستی پایدار خود با این کشور ادامه خواهد داد. حسن همجواری، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و احترام به حق حاکمیت ملی، اصولی است که مبانی سیاست خارجی افغانستان را در برابر همسایگان تبیین می‌نماید. تحریک طالبان که اکنون تمام کشور را بدست دارند، به تکرار گفته اند که هیچ کشوری از کشور های همسایه از قلمرو افغانستان تهدید نخواهد شد. حق همسایگی، مشروعیتی است فراتر از اراده بشری. رابطه‌ی ما با همسایگان، یک رابطه‌ی است که در مرکز آن فلسفه‌ی تقویت همکاری های منطقوی از طریق ایجاد بازار ها و اتحادیه های اقتصادی و دراز مدّت سیاسی؛ و از طریق مشارکت در پروسه‌ی جهانی شدن قرار دارد، چون نظام جهانی شدن نظام مناطق متحد است؛ مثلاً اتحادیه‌ی اروپا، ناقتا، آسه آن و غیره.

ما وقتی می‌توانیم در پروسه‌ی جهانی شدن شرکت نموده و سهم داشته باشیم که از حالت یک دولت در حال جنگ و بی اتفاقی وضعیت بیرون شویم و بصورت یک همکار اتحادیه‌ی منطقوی نیرومند در پروسه‌ی جهانی شرکت کنیم. بر این مبنا افغانستان یک فرصت تاریخی را در دست دارد، به عنوان پل یا معبر میان آسیای میانه و آسیای جنوب شرقی. از این طریق در مرکز یک اتحادیه‌ی منطقوی قرار داشتن، از نظر ژئوپولیتیک برای ما یک چانس است. ما می‌خواهیم از این جغرافیا استفاده‌ی به بئر نماییم، از جانب دیگر همسایگی ما با خاور میانه، مساعدترین موقعیت را برای ما فراهم آورده است.

در حالیکه قدرتهای بزرگ اقتصادی مانند چین و هند در براعظم آسیا در حال تبارز اند؛ قاره‌ی آسیا، ممکن فوکس اصلی رقابت ها در قرن بیست و یکم گردد. منابع وسیع طبیعی در این قاره مانند نفت، گاز و آب آشامیدنی؛ و همچنین

سرمایه‌گذاری های بزرگ همراه با رشد سریع تکنولوژی، فرصت های همراه با رقابت های سختی را در این قاره موجب شده اند .

اما با در نظر داشت اهمیت جیو- پولیتیک و جیو- اکنومیک افغانستان میتوان گفت که همکاری های منظوقوی در سیاست خارجی افغانستان در دو سطح، مهم و کلیدی قرار گرفته است :

الف) همکاری های منظوقوی به عنوان تأمین کننده‌ی منافع ملی افغانستان؛

ب) ایجاد مناطق متحد به عنوان عامل طبیعی پیوستن به پروسه ی جهانی شدن .

تجربه تاجکستان برای افغانها مهم است: در سه دهه پس از مجزا شدن تاجکستان از جمهوریهای شوروی؛ این کشور، از سال ۱۹۹۰-۱۹۹۴ درگیر مسائل داخلی خود همانند جنگ داخلی ما بوده، اما با توجه به پیوندهای فرهنگی و اقتصادی، کشور همسایه تاجکستان نگاه خاص به افغانستان داشته است. مثلاً راهای تجارتي و ترانزیت وسعت یافت، روابط سیاسی میان افغانستان و تاجکستان تحکیم شد. تاجکستان عضو پیمان امنیت دسته‌جمعی، سازمان شانگهای است که افغانستان نیز عضو ناظر آن است، در دو کشور عضو سازمان‌های اکو، همکاری اسلامی، سازمان ملل، و سازمان سیکا هستند؛ لذا دایره اشتراکات سیاسی دو کشور گسترده است و امضای اسناد متعدد گواه روابط و پیوندهای عمیق دو کشور است. جامعه کشورهای مستقل همسود مانند روسیه و ایران و چین درین ایام علاقمندی زیادی به تحولات اخیر نشان داده اند، هر سه می‌خواهند بعد از خروج نیروهای امریکایی مناسبات خوب با افغانستان آغاز نمایند.

فرصت های اقتصادی دو کشور: در یک دهه گذشته تجارت بین افغانستان و تاجکستان چندین برابر افزایش یافته است. ظرفیت تاجکستان در عرصه‌هایی چون برق، گرځندوی، زراعت، مالداری و تعلیم و تربیه، هنر و فرهنگ بسیار پرجاذبه است و افغانستان می‌تواند در همه این عرصه‌ها با تاجکستان همکاری‌های سودمندی داشته باشد. دو کشور از نظر اقتصادی وابستگی‌های زیادی دارند. تاجکستان مقداری از برق تولیدی خود را به افغانستان صادر می‌کند و افغانستان نیز به‌عنوان خریدار اصلی برق تاجکستان مطرح است. در این بین با ساخت خط انتقال برق تاجکستان و قرقیزستان به افغانستان و پاکستان موسوم به کاسا (CASA-۱۰۰۰) میزان صادرات برق این کشور افزایش می‌یابد. همچنین پروژه‌های ساخت راه‌آهن در مسیر تاجیکستان - افغانستان - پاکستان تا بندر گوادر و کار پروژه برق کاسا می‌تواند سبب توسعه تجارت و تقویت اقتصادی میان افغانستان - تاجیکستان و پاکستان شود. علاوه بر این دو کشور می‌توانند در حوزه‌هایی چون ساخت چندین پل بر روی رودخانه «آمودریا» و «پنج»، در دستور کار قرار گرفتن پروژه منطقه‌ای انتقال برق «کاسا ۱۰۰۰»، راه‌آهن تاجکستان - افغانستان - ترکمنستان و همچنین چین - قرقیزستان، تاجکستان - افغانستان - ایران، خط لوله گاز تاجکستان - افغانستان و شبکه ریل تلاش‌های گسترده‌ای داشته باشند. در همین راستا بیش از هفتاد تفاهنامه همکاری میان افغانستان و تاجیکستان به امضا رسیده که می‌تواند توسعه همکاری‌ها در عرصه‌های مختلف (از اقتصاد و صنعت گرفته تا فرهنگ و ارزش‌های معنوی) را میسر سازد.

افغانستان به عنوان محور تجارت و ترانزیت منطقه، منافع خود را در تعامل منافع ملی با کشور های منطقه می‌بیند . برای اینکه تقابل منافع می‌دَل به تعامل منافع گردد، افغانستان صمیمانه از انتقال پاپلین گاز ترکمنستان(تاپی)، از طریق افغانستان، به پاکستان و هند حمایت می‌کند، از ایجاد این مفکوره و برداشتن اولین گامها تقریباً بیست و سه سال می‌گذرد. به همان تناسب انتقال پاپلین گاز ترکمنستان، از طریق افغانستان، به تاجیکستان و سپس چین، تأمین کننده‌ی منافع ملی

منطقه است. انتقال انرژی CASA ۱۰۰۰ به افغانستان و سپس به پاکستان و ایران، به معنای گره خوردن منافع ملی افغانستان با منافع اقتصادی کشور های منطقه است؛ منافعی که با رونق و تسریع تجارت و ترانزیت با اتصال شبکه‌های راه آهن ایران، پاکستان، ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان با شبکه‌های راه آهن افغانستان به اوج خود می‌رسد. شاهرایی که جمهوری اسلامی ایران را از طریق افغانستان به کشور های آسیای میانه وصل می‌کند، تقویت کننده‌ی مبانی همکاری و همگرایی منطقوی است. حضور تجارتي- اقتصادي هند از طریق چاه بهار و شاهراه دلارام به کشور های آسیای مرکزی ایجاد کننده‌ی تحوّل بنیادین در منطقه است. برای رسیدن به چنین فضایی ایجاب می‌کند که به هیچ نوع تضاد ها و تناقض های مزمن تاریخی از جانب هر کس که باشد اجازه داده نشود.

حضور و عضویت هر دو کشور در سازمانها و پیمانهای ذیل ایجاب روابط نزدیک و دوستانه را مینماید :

- برنامه همکاری اقتصادی منطقه ای آسیای مرکزی (CAREC)
- سازمان همکاری اقتصادی (ECO)
- کنفرانس همکاری های اقتصادی منطقه ای راجع به افغانستان (RECCA)
- سازمان همکاری های منطقه ای آسیای جنوبی (SAARC)
- سازمان همکاری شانگهای (SCO)

حضور و عضویت افغانستان و تاجیکستان در بسا از سازمان های منطقه‌یی و بین المللی و حمایت متقابل، نشان دهنده‌ی همکاری و تساند است که می‌تواند در تحکیم ثبات و انکشاف منطقوی تأثیری بسزا بگذارد .

از آنجایی که انتقال انرژی از آسیای مرکزی به جنوب و جنوب شرق آسیا (هند و پاکستان)، تأمین کننده‌ی منافع ملی افغانستان است، در « استراتژی انرژی کریک » سه پروژه‌ی مهم برای افغانستان وجود دارد :

۱. پروژه‌ی انتقال برق از قرغزستان و تاجکستان به جنوب و جنوب شرق آسیا (CASA ۱۰۰۰)

۲. پروژه‌ی انتقال گاز طبیعی از ترکمنستان به پاکستان و هند از طریق افغانستان (TAPI).

۳. توسعه‌ی شبکه‌ی راه آهن

پس برای هر دو کشور لازم است تا روابط را حسنه نگهداشته غرض رفع فقر، کشمکشهای داخلی، قطع قاچاق مواد مخدر و مسایل محیط زیست و تداوم توافقات مفید دوجانبه گذشته وفادار باشند. دوستی و مراودات فی مابین همسایه ها آرمان دیرین مردم شریف افغانستان است.



برای مطالب دیگر پوهاند محمد بشیر دودیال روی عکس کلیک کنید